



The Ordeal of Prophets' Soul Extraction (Qabḍ al-Rūḥ), with Emphasis on the Soul Extraction of the Messenger of Allah (PBUH)

Mohaddeseh Moghimi Nejad Davarani¹  

1. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Lady Narjes Faculty, Vali-e-Asr University, Rafsanjan, Iran. E-mail: m.moghimi@vru.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 11 June 2025

Revised: 5 November 2025

Accepted: 28 January 2026

Available online 2 February 2026

Keywords:

Extraction of the Soul (Qabḍ al-Rūḥ) of the Believer,
Extraction of the Soul of the Holy Prophet, Demise of the Prophets, Death Agony (Iḥtiḍār) of the Prophets, Death Agony of Prophet Muhammad (PBUH).

ABSTRACT

According to Quranic verses and numerous narrations from both major schools of thought (fariqayn), the extraction of the soul for believers is characterized by ease; furthermore, certain traditions suggest that the difficulty of death for some believers serves as an atonement for their sins (kaffārah). Conversely, specific narrations within both traditions of Sunni and Shia suggest that the extraction of the soul for some prophets was fraught with difficulty. Given the absolute infallibility ('iṣmah mutlaqah) of the prophets, the inapplicability of expiation for sins in their case and in light of specific evidence regarding the ease of their passing, these narrations are subject to doubt. Due to the intersection of these reports with the doctrines of prophetic infallibility and the believers' expectations of death, an examination of their chains of transmission (sanad), thematic content, and Semantic analysis is essential. By scrutinizing the evidence concerning the difficulty of the Holy Prophet's (PBUH) demise through a descriptive-analytical methodology, the following results were obtained: the weakness of the transmission chains for several narrations, the irrational content of others, and a lack of actual indication of "difficulty" in the remaining reports. Consequently, the narrations in question are deemed inadmissible.

Cite this article: Moghimi Nejad Davarani, M. (2025). The Ordeal of Prophets' Soul Extraction (Qabḍ al-Rūḥ), with Emphasis on the Soul Extraction of the Messenger of Allah (PBUH). *Hadith Doctrines*, 9(17), 107-124. <https://doi.org/10.30513/hd.2026.7105.1276>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



دشواری قبض روح انبیا، با تأکید بر قبض روح رسول اکرم (ص)

محدثه مقیمی نژاد داورانی^۱ ID

۱. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده حضرت نرجس، دانشگاه حضرت ولیعصر، رفسنجان، ایران. رایانامه: m.moghimi@vru.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	بر اساس آیات قرآن و روایات متعدد فریقین، قبض روح مؤمنان آسان است و بر اساس پاره‌ای از روایات، دشواری قبض روح برخی از مؤمنان، کفاره گناهان آنان است. از سوی دیگر، بر اساس برخی از روایات فریقین، قبض روح تعدادی از انبیا دشوار است. با توجه به عصمت مطلق انبیا و مطرح نبودن کفاره گناهان در مورد ایشان و نظر به ادله خاص در مورد آسانی قبض روح انبیا، این روایات قابل تردیدند. با توجه به ارتباط این روایات با دو موضوع عصمت انبیا و انتظار مؤمنان از مرگ، بررسی سند، محتوا و دلالت این روایات لازم است. با بررسی ادله دشواری قبض روح پیامبر اکرم (ص) با روش توصیفی - تحلیلی این نتایج حاصل شد: ضعف سند برخی از روایات، محتواهای غیرعقلانی برخی از آنها و عدم دلالت برخی از روایات بر دشواری قبض روح ایشان. لذا روایات مورد بحث قابل پذیرش نیستند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳	
کلیدواژه‌ها:	
قبض روح مؤمن، قبض روح پیامبر اکرم، وفات پیامبران، احتضار پیامبران، احتضار حضرت محمد.	

استناد: مقیمی نژاد داورانی، محدثه. (۱۴۰۴). دشواری قبض روح انبیا، با تأکید بر قبض روح رسول اکرم (ص). آموزه‌های حدیثی، ۹ (۱۷)، ۱۰۷-۱۲۴. <https://doi.org/10.30513/hd.2026.7105.1276>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

مرگ و انتقال به عالم بعد از آن غالباً با سختی‌هایی همراه است. این سختی‌ها دو نوع است. «یک نوع دردهای مربوط به همین بدن است که از توابع این زندگی است و سنخش ناسوتی است و معلول پاره‌ای از بیماری‌ها و ادامه آن‌هاست» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۱۱۶). نوع دیگر، سختی قبض روح است که مقدمه ورود به برزخ است و بسیار دشوار است. در روایات دشواری آن به کشیدن سیخ کباب از درون پشم تر (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۳۵۸)، گزش افعی‌ها، بریدن گوشت با قیچی، چرخاندن میله‌ای در حلقه چشم (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۹۸) تشبیه شده است. موضوع این نوشتار ارتباطی با سختی‌های نوع اول ندارد و مراد از سختی مرگ، دشواری قبض روح است که از نوع سختی‌های عالم برزخ است.

در آیات و روایات متعددی در مورد حالات افراد در زمان قبض روح سخن گفته شده است. بر اساس بسیاری از آیات قرآن کریم (نازعات ۱-۲؛ فصلت ۳۰؛ انفال ۵۰؛ محمد ۲۷؛ واقعه ۹۲-۹۴؛ قیامت ۲۷-۲۹؛ انعام ۹۳) و روایات متعدد فریقین (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۳۵۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۸۳)، قبض روح کافران بسیار دشوار و قبض روح مؤمنان بسیار آسان است. در عین حال بر اساس برخی از روایات، مؤمنانی هم هستند که به سختی جان می‌سپارند و این سخت جان دادن، کفاره گناهان آن‌ها و سبب پاکی آن‌ها شمرده شده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۹۷). این روایات مخصص مفهوم عام آیات و روایات هستند و تعارضی با آن‌ها ندارند. در روایتی از امام صادق (ع)، از چهار نوع قبض روح با هم یاد شده است: قبض روح ساده مؤمن، قبض روح دشوار مؤمن به دلیل کفاره گناهان، قبض روح ساده کافر به دلیل تسویه حساب خوبی‌های او در همین دنیا و قبض روح دشوار کافر (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۹۸).

با توجه به دلایل عصمت مطلق انبیای الهی در مذهب شیعه (شریف مرتضی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴)، موضوع کفاره گناهان در مورد آن حضرات قابل طرح نیست. لذا، از انضمام آیات و روایات دال بر آسانی قبض روح مؤمنان و ادله عصمت انبیای عظام انتظار می‌رود راحت‌ترین نوع قبض روح در مورد انبیای الهی گزارش شده باشد.

همان‌گونه که در روایت ابن مسعود از نبی مکرم اسلام، ترخّم ملک الموت بر محبین امیرالمؤمنین (ع)، به ترخّم او بر انبیا تشبیه شده است (خوارزمی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۷۳). بر اساس قاعده، وجه شبه در مشبّه به قوی‌تر است و انبیا قبض روح بسیار آسانی داشته‌اند. همچنین به صورت خاص، روایاتی در مورد سادگی قبض روح برخی از انبیای الهی وارد شده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۲۵۲-۲۵۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۴۶).

در این اثنا، روایاتی دالّ بر قبض روح دشوار برخی از انبیای عظام نیز در کتب تاریخی، روایی و تفاسیر فریقین یافت می‌شود. برخی نسبت به دلالت و اعتبار این نوع روایات چنان اطمینانی داشته‌اند که حکمت‌هایی برای دشواری قبض روح انبیا نقل کرده‌اند (شعود، ۲۰۰۹، ج ۱، ص ۲۳۰)! اما با توجه به مضمون متفاوت و شبهه‌برانگیز این روایات، لازم است در مورد میزان اعتبار آن‌ها تأمل کرد. روایاتی در مورد دشواری قبض روح چندین نفر از انبیای الهی وارد شده است که در این پژوهش، اخبار مرتبط با قبض روح پیامبر اکرم (ص) مورد بررسی قرار می‌گیرند.

این روایات از سویی به جهت ارتباط با موضوع عصمت انبیا حائز اهمیت هستند و از سویی در انتظار مؤمنان از مرگ تأثیرگذارند. اگر روایات مبنی بر دشواری قبض روح ایشان قابل پذیرش باشند، هیچ‌یک از مؤمنان نباید در انتظار قبض روح راحت باشند و ترس از دشواری جان سپردن و عدم اشتیاق به مرگ، وجه مشترک مؤمن و کافر خواهد بود. لذا، بررسی این روایات لازم است. در این راستا سؤالاتی قابل طرح است:

۱. وضعیت سند، محتوا و دلالت روایات مرتبط با دشواری قبض روح پیامبر اکرم چگونه است؟

۲. با توجه به تعارض این روایات با عصمت انبیا (ع) و تعارضشان با ادله عام و خاصّ دالّ بر سادگی قبض روح انبیا، آیا وجهی برای جمع ادله و پذیرش این روایات وجود دارد؟

در مورد دشواری قبض روح حضرت ابراهیم (ع) و حضرت موسی (ع) هم روایاتی وارد شده است، اما در منابع شیعی و نیز در منابع معتبر اهل سنت نیامده است،

بلکه در برخی منابع تاریخی و اخلاقی ذکر شده‌اند که از اعتبار کافی برخوردار نیستند. البته قابل ذکر است روایاتی در مورد سادگی قبض روح این دو نبی در روایات شیعی و برخی از منابع اهل سنت آمده است. چهار نقل متفاوت در مورد حضرت ابراهیم (ع) (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۳۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۲۵۲-۲۵۵) و چندین روایت در مورد حضرت موسی (ع) وارد شده است (قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۱۴۵-۱۴۶؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۳۸۱).

قدیمی‌ترین منبعی که حاوی روایات مرتبط با دشواری قبض روح این دو پیامبر الهی است، کتاب الرعایة لحقوق الله حارث بن اسد محاسبی (۲۴۳ق) است (محاسبی، ۱۴۲۰، ص ۱۲۳، ۱۸۳، ۱۸۴). در تاریخ دمشق ابن عساکر هم روایتی در دشواری قبض روح حضرت ابراهیم (ع) نقل شده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۲۵۳). نقل‌های مذکور غالباً فاقد سندند یا اسناد ضعیف دارند. از سویی، روایات دال بر سادگی قبض روح ایشان با ادله عام عصمت پیامبران سازگارترند.

۱. پیشینه بحث

روایات مربوط به دشواری قبض روح حضرت ابراهیم و حضرت موسی (ع) در برخی کتب تاریخی و اخلاقی اهل سنت وارد شده است که عموماً ارزش روایی ندارند (محاسبی، ۱۴۲۰، ص ۱۳۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۲۵۳). روایات دشواری قبض روح نبی مکرم اسلام نیز در کتب متعدد روایی و تاریخی اهل سنت، مثل صحیح بخاری، السنن الکبری، طبقات ابن سعد، معجم الکبیر طبرانی، و در بین منابع شیعه در کتاب امالی شیخ صدوق آمده است.

در عموم آثار مذکور یا شروح آن‌ها نقدی بر این روایات وارد نشده است. گویا مضمون این روایات مورد قبول عموم محدثین، مفسرین و پژوهشگران تاریخ انبیا بوده است. تنها در آثار محدودی، در تأیید این گونه روایات، نظراتی وارد شده است. در برخی از شروح کتب احادیث، همچون ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری، در مورد حکمت دشواری قبض روح پیامبر اکرم مطالبی آمده است (قسطلانی، ۱۳۲۳، ج ۶، ص ۴۷۲). در مقاله «هل شکا الرسول صلی الله علیه و سلم من سكرات الموت»، نویسندگان ضمن اثبات دلایل دشواری قبض روح پیامبر اکرم (ص) حکمت‌هایی در

مورد این دشواری ذکر کرده است (حدیدی، ۱۳۹۱، ص ۳۱). گردآوری و بررسی جامع روایات مرتبط با موضوع قبض روح پیامبر اکرم (ص) پژوهشی است که تاکنون انجام نپذیرفته است.

۲. بحث

در برخی از روایاتی که لحظه قبض روح پیامبر اکرم را گزارش نموده‌اند، هیچ سخنی از سختی قبض روح ایشان نیست (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۶۵۵؛ بصری بغدادی، ۱۹۶۸، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۶۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۶۳۸). چه بسا همین عدم گزارش گزینه‌ای برای اثبات سادگی قبض روح ایشان باشد. با این حال، روایاتی در مورد دشواری قبض روحشان وارد شده است. روایات مربوط به دشواری قبض روح پیامبر اکرم در منابع اهل سنت از جابر بن عبدالله، عبدالله بن عباس، انس بن مالک، عایشه، جعفر بن محمد، محمد بن عمرو و در منابع شیعی از ابن عباس نقل شده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۶۳۸).

۳. روایات اهل سنت

۱-۳. روایات عایشه

۱-۱-۳. روایات عایشه در منابع اهل سنت

صریح‌ترین روایاتی که در موضوع دشواری قبض روح پیامبر اکرم وارد شده است، روایات منقول از عایشه هستند. بر اساس روایت اول، عایشه مدعی شده است که پیامبر اکرم در شرایطی از دنیا رفتند که سر ایشان بین شکم و حلقوم عایشه - یا قسمت زیر شکم عایشه - قرار داشت. عایشه گفته است که بعد از دیدن سختی مرگ پیامبر خدا، از دیدن سختی مرگ کسی اکراه ندارم. من رسول خدا را در شرایطی دیدم که در حال مرگ بود و قدحی نزد او بود که دستش را در آن فرومی‌برد و به صورتش می‌کشید و می‌گفت: «خداوندا مرا بر سختی‌های مرگ یاری کن» (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۲۳، ص ۳۴).^۱ قسمت پایانی

۱. حَدَّثَنَا مُطَلِّبُ بْنُ شُعَيْبٍ الْكُرْدِيُّ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ ضَالِحٍ، حَدَّثَنِي اللَّيْثُ، وَحَدَّثَنَا أَبُو الزُّنَبَائِعِ رُوْحُ بْنُ الْفَجَّ، وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، بِنِ بَنِي رَشْدِينَ بْنِ سَعْدٍ، قَالَا: ثنا يَحْيَى بْنُ بُكَيْرٍ، ثنا اللَّيْثُ، حَدَّثَنِي يَزِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْهَادِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْقَاسِمِ،

این روایت در طبقات الکبری ابن سعد با سندی متفاوت از موسی بن سرجس از قاسم بن محمد نقل شده است (بصری بغدادی، ۱۹۶۸، ج ۲، ص ۲۵۸).
بر اساس روایت دوم که بخاری با سند خود از عایشه نقل می‌کند، عایشه یکی از نعمت‌های خداوند بر خود را این دانسته است که پیامبر اکرم در خانه او و در روز خاص او میان ریه و گلوی وی (یعنی درحالی که سرایشان بر سینه عایشه قرار داشت) از دنیا رفت. در ادامه وی گفته است: در زمان احتضار، ظرفی چوبی یا پوستین در مقابل پیامبر بود، دستانش را در آب فرومی‌برد و چهره‌اش را مسح می‌کرد و می‌گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، إِنَّ لِلْمَوْتِ سَكْرَاتٍ». سپس دستش را بلند کرد و شروع به گفتن این عبارت «فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى» کرد تا آن جا که قبض روح شد.^۱

نقد روایات:

در بررسی این روایات، ذکر نکاتی لازم است.

۱. در روایات فوق، از سختی مرگ با لفظ «سکرات» یاد شده است. «سکرة الموت» اصطلاحی است برگرفته شده از قرآن کریم که در سورة مبارکه «ق» آمده استک «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ» (ق/۱۹)؛ مستی مرگ به راسی رسد. این همان است که از آن می‌گریخته‌ای (ترجمه امامی). در برخی از روایات شیعه نقل شده است که آیه فوق در مورد شخصی به نام زریق نازل شده است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۲۴) که مایه آزار پیامبر اکرم بوده است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۱۴). متن آیه هم بیانگر آن است که مخاطب آیه فردی است که از مرگ گریزان است و نمی‌توان دلالت آیه را عام و شامل مؤمنان دانست.

عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ خَافَتِي وَذَافَتِي، فَلَا أَكْرَهَ بِهَذِهِ الْمَوْتِ لِأَخِي أَبَدًا، بَعْدَمَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَمُوتُ وَعِنْدَهُ قَدَحٌ فِيهِ مَاءٌ، يُدْخِلُ يَدَهُ فِي الْقَدَحِ ثُمَّ يَمْسَحُ وَجْهَهُ بِالْمَاءِ، ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى سَكْرَاتِ الْمَوْتِ» (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۲۳، ص ۳۴).

۱. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ غُبَيْرٍ حَدَّثَنَا عِيسَى - بْنُ يُوسُفَ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ أَخْبَرَنِي ابْنُ أَبِي مُلَيْكَةَ أَنَّ أَبَا عَمْرٍو ذَكَوَانَ مَوْلَى عَائِشَةَ أَخْبَرَهُ أَنَّ عَائِشَةَ كَانَتْ تَقُولُ إِنَّ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيَّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - ثَوَّقُ فِي بَيْتِي وَفِي بَيْتِي، وَتَيْنِ سَخْرِي وَنَخْرِي، وَأَنَّ اللَّهَ جَمَعَ بَيْنَ رِيقِي وَرَيْقِهِ عِنْدَ مَوْتِهِ، دَخَلَ عَلَيَّ عَبْدُ الرَّحْمَنِ وَبَيَّهَ السَّوَالُ وَأَنَا مُسْبِذَةٌ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَرَأَيْتُهُ يَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَعَرَفْتُ أَنَّهُ يُحِبُّ السَّوَالُ فَقُلْتُ أَخُذْ لَكَ فَأَشَارَ بِرَأْسِهِ أَنْ نَعَمْ، فَتَنَاولْتُهُ فَأَشَدَّ عَلَيْهِ وَقُلْتُ أَلَيْسَ لَكَ فَأَشَارَ بِرَأْسِهِ أَنْ نَعَمْ، فَلَيْتَنِي، وَتَيْنِ يَدَيَّ رَكُودٌ - أَوْ غَلَبَتْ يَدَايَ عُمَرُ - فَبَيْنَمَا يَدْخُلُ يَدَيَّ فِي الْمَاءِ فَيَسْفَحُ بِهِمَا وَجْهَهُ يَقُولُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، إِنَّ لِلْمَوْتِ سَكْرَاتٍ». ثُمَّ نَضَبَ يَدَهُ فَجَعَلَ يَقُولُ «فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى» حَتَّى قُبِضَ وَمَالَتُ يَدَهُ (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۳).

در مورد لفظ «سکرة» گفته شده است: حالتی است که بین انسان و عقل او فاصله می‌اندازد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۱۶). در توضیح سكرات مرگ آمده است: سكره مرگ حالتی است شبیه به «مستی» که بر اثر فرا رسیدن مقدمات مرگ، به صورت هیجان و انقلاب فوق‌العاده‌ای به انسان دست می‌دهد و گاه بر عقل او چیره می‌گردد و او را در اضطراب و ناآرامی شدیدی فرومی‌برد. چگونه چنین نباشد درحالی که مرگ، مرحله انتقالی مهمی است که باید انسان در آن لحظه تمام پیوندهای خود را با جهانی که سالیان دراز با آن خو گرفته بود، قطع کند و در عالمی گام بگذارد که برای او کاملاً تازه و اسرارآمیز است؛ به خصوص آنکه در لحظه مرگ، انسان درک و دید تازه‌ای پیدا می‌کند، بی‌ثباتی این جهان را با چشم خود می‌بیند و حوادث بعد از مرگ را کم‌وبیش مشاهده می‌کند. اینجاست که وحشتی عظیم سرتاپای او را فرا می‌گیرد و حالتی شبیه مستی به او دست می‌دهد، ولی «مست» نیست (مکارم، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۲، ص ۲۵۴).

«سکرة» به این معنی نمی‌تواند در مورد پیامبر اکرم مفهومی داشته باشد. چگونه ایشان دچار سكرات مرگ شده باشند، درحالی که روح ایشان بیش از اینکه با عالم ماده انس داشته باشد، با عالم ملکوت مأنوس بوده است؟ وقتی امیرالمؤمنان (ع) که خود را «عبد من عبید محمد» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۲۵) می‌دانست، در مورد مرگ می‌فرمود: «به خدا سوگند، انس و علاقه پسر ابوطالب به مرگ از انس طفل شیرخوار به سینه مادر بیشتر است» (نهج البلاغه، خطبه ۵)، چگونه عالم مرگ برای پیامبر اکرم ناشناخته بوده است و سختی انتقال به سرای دیگر (العیاذ بالله) عقل ایشان را زائل کرده باشد؟ چگونه مرگ خودشان را دارای سكراتی سخت توصیف کرده باشند؟

۲. بر اساس برخی از روایات اهل سنت، قبض روح پیامبر اکرم در منزل خودشان (فی منزل رسول الله) بوده است (تمیمی دارمی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۹)، درحالی که حجره هرکدام از همسران پیامبر اکرم با نام خودشان شناخته می‌شده است، چنان که از روایات عایشه برمی‌آید. این موضوع ادعای مطرح شده در روایت دوم را زیر سؤال می‌برد که وفات پیامبر اکرم در حجره عایشه بوده است. وقتی اصل ادعا قابل پذیرش نباشد، بالتبع گزارش‌هایی که از سختی وفات ایشان در منزل خود آورده است، نیز

قابل پذیرش نیست.

۳. بر اساس محتوای این روایات، پیامبر اکرم، درحالی که سرشان بر سینه عایشه بود، درگذشت. اما بر اساس بسیاری از روایات دیگر در منابع فریقین، زمان قبض روح، ایشان سرشان بر دامن امیرالمؤمنین (ع) قرار داشت. این موضوع غیر از آنکه از طرق متعدد شیعه (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۷۲، ۱۸۲) و اهل سنت (بصری بغدادی، ۱۹۶۸، ج ۲، ص ۲۶۲-۲۶۳) به خود امیرالمؤمنین (ع) نسبت داده شده است، از برخی از صحابه و همسران پیامبر اکرم هم نقل شده است. حتی در روایاتی از خود عایشه هم این موضوع تصدیق شده است (تمیمی مغربی، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۰؛ دمشقی، ۱۹۸۸، ج ۷، ص ۳۹۷). ابن عباس در روایتی تأکید کرده است که سر پیامبر بر دامن علی بوده و ادعای عایشه در این زمینه صحیح نبوده است (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۲۵۳؛ بصری بغدادی، ۱۹۶۸، ج ۲، ص ۲۶۳). از ام سلمه هم قولی در این زمینه روایت شده است (شیبانی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۳۰۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱۳، ص ۱۴۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۲، ص ۳۹۴؛ دمشقی، ۱۹۸۸، ج ۷، ص ۳۹۷). روشن است که روایات این دسته با توجه به تعدد شاهدان و کثرت طرق نقل از اعتبار بیشتری برخوردارند. وقتی ادعای عایشه در مورد وضعیت قرارگیری حضرت رسول در زمان وفات قابل پذیرش نیست، طبیعتاً ادعای وی در مورد دشواری قبض روح پیامبر اکرم نیز مسموع نیست.

۳-۲. انکار دلالت روایت عایشه بر دشواری قبض روح پیامبر اکرم در منابع

اهل سنت

برخی از محققین اهل سنت که از سویی دشواری قبض روح پیامبر اکرم را نپذیرفته اند و از سویی صدور این روایات از عایشه و اعتبار گزارش وی را پذیرفته اند، دست به توجیهاتی در مورد دلالت این روایت زده اند که ذیلاً ذکر می شود.

۱. مراد از سکراتی که پیامبر اکرم به آن مبتلا شدند، سكرات طرب و شادی بوده است. چنان که بلال حبشی در جنگ گفت: «واطرباه به زودی دوستانم را (پیامبر اکرم و اصحابشان) خواهم دید» (زرقانی، ۱۹۹۶، ج ۱۲، ص ۱۲۲-۱۲۴).

نقد: این توجیه با الفاظ روایات سازگار نیست، چرا که در روایات از الفاظ «اشتدّ علیه» و «شدة الموت» برای توصیف لحظات پایانی حیات پیامبر اکرم (ص)

استفاده شده است.

۲. مراد از سختی، سختی‌ای بوده است که ایشان در مقدمات وفاتشان با آن مواجه بوده‌اند نه در خود سكرات مرگ، آن‌گونه که تصور می‌شود. مراد عایشه هم این بوده است: من مرگی را که پیش از آن بیماری شدید نباشد، نمی‌خواهم؛ آن‌گونه که عوام تصور می‌کنند، این نوع مرگ سبب بزرگداشت فرد است (هروی قاری، ۱۳۱۸، ج ۲، ص ۲۶۰).

نقد: روایات عایشه صراحتاً گزارش زمان قبض روح پیامبر اکرم است و تا اتمام قبض روح ایشان را گزارش نموده است (حَتَّى قُبِضَ وَمَا لَئِذَا يَدُهُ) و صراحتاً لحظات جان سپردن ایشان را سخت شمرده است. لذا قابل حمل بر سختی‌های قبل از وفات نیست.

۳-۱-۳. روایت عایشه در منابع شیعی

عبارت «اعْتَنَى عَلَى سَكْرَاتِ الْمَوْتِ» به نقل از پیامبر اکرم به منابع شیعی نیز راه یافته است. راوندی (۵۷۳ق) در الدعوات در «فصل فی تلقین المحتضر عند الموت و غسله و تشییعه» روایتی بدون سند با متن ذیل نقل کرده است: «وَكَانَ عِنْدَ النَّبِيِّ (ص) قَدَحٌ فِيهِ مَاءٌ وَهُوَ فِي الْمَوْتِ وَيَدْخُلُ يَدُهُ فِي الْقَدَحِ وَيَمْسَحُ وَجْهَهُ بِالْمَاءِ وَيَقُولُ (ع) اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى سَكْرَاتِ الْمَوْتِ» (راوندی، ۱۴۰۷، ص ۲۵۰). علامه مجلسی این روایت را تکرار کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۴۲). با توجه به مشابهت عبارت با عبارات منابع اهل سنت و عدم ذکر سند برای این روایت، به ظن قوی، روایت برگرفته شده از منابع اهل سنت است و روایت مستقلی نیست.

۳-۲-۲. روایت جابر بن عبدالله و عبدالله بن عباس

طبرانی روایتی در مورد زمان وفات پیامبر اکرم از دو نفر از صحابه، جابر بن عبدالله و عبدالله بن عباس، نقل نموده است. وی در این روایت به برخی از وقایع نزدیک به وفات پیامبر اکرم اشاره کرده است. وقایعی همچون حلالیت طلبیدن پیامبر از مردم، نماز گزاردن با آن‌ها، اجازه خواستن ملک الموت برای ورود به خانه پیامبر اکرم، حضور و بشارت جبرئیل در زمان قبض روح پیامبر اکرم. او در بخشی از

این روایت به دشواری قبض روح ایشان اشاره نموده است.^۱
بر اساس این روایت، در زمان قبض روح پیامبر چهار مرارت زیادی بودند و در مراحل پایانی قبض روح، از سختی وفات به جبرئیل گلابه کردند. وی از پیامبر روی گرداند و گفت: «چه کسی می‌تواند به شما در زمان سختی قبض روح بنگرد؟». بعد از آن پیامبر قبض روح شدند.

نقد روایت:

در سند این روایت، وهب بن منبه قرار دارد. وی از یهودیان متظاهر به اسلام بود که اباطیل و اسرائیلیات زیادی را در بین مسلمین منتشر کرد (نک: ابوریه، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۴۹). به متن روایت نیز نقدهایی وارد است. از جمله آنکه ابن عباس و جابر بن عبد الله نمی‌توانسته‌اند شاهد و گزارشگر گفت‌وگوی پیامبر با جبرئیل باشند، مگر آنکه حضرت جبرئیل هم مانند ملک الموت تمثیل انسانی یافته باشند و همگان ایشان را دیده باشند. اما در متن روایت چنین چیزی نیامده است.

۳-۳. روایت انس بن مالک

بر اساس این روایت، پیامبر اکرم خطاب به حضرت زهرا سلام الله علیها در مورد دشواری قبض روح خودشان می‌گویند.^۲ «لَمَّا ثَقُلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَعَلَ يَتَغَشَّاهُ، فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: وَكَزِبَ أَبَاهُ، فَقَالَ لَهَا: لَيْسَ عَلَى أَبِيكَ كَرْبٌ بَعْدَ الْيَوْمِ» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۱۵)؛ «از انس نقل شده است پیامبر اکرم در زمان بیماری مرتب بی‌هوش می‌شدند. حضرت زهرا فرمود: وای از این رنج پدرجان! حضرت به ایشان فرمود: «بعد از امروز رنجی به پدرت نخواهد رسید.»

۱. قَدْ تَنَا مَلَكُ الْمَوْتِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعَالِجُ قَبْضَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَمَّا بَلَغَ الرُّوحُ الرُّكْبَتَيْنِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَوُّهُ». فَلَمَّا بَلَغَ الرُّوحُ السُّرَّةَ نَادَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَكَزِبَاهُ». فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: كُزِّي يَا أَبَتَاهُ. فَلَمَّا بَلَغَ الرُّوحُ إِلَى الثُّدُوءَةِ نَادَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا جَبْرِيْلُ، مَا أَشَدَّ مَرَارَةَ الْمَوْتِ». فَوَلَّى جَبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجْهَهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا جَبْرِيْلُ، كَرِهْتُ النَّظَرَ إِلَيْكَ؟» فَقَالَ جَبْرِيْلُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا حَبِيبِي، وَمَنْ يُطْبِقُ نَفْسَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْكَ وَأَنْتَ تُعَالِجُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ؟ فَقَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۸).

۲. حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ حَرْبٍ، حَدَّثَنَا حَمَّادٌ، عَنْ ثَابِتٍ، عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: «لَمَّا ثَقُلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَعَلَ يَتَغَشَّاهُ، فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: وَكَزِبَ أَبَاهُ، فَقَالَ لَهَا: «لَيْسَ عَلَى أَبِيكَ كَرْبٌ بَعْدَ الْيَوْمِ» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۱۵).

بیهقی روایت را با سند و متنی اندک متفاوت آورده است.^۱ بر اساس روایت وی، در زمان بیماری منجر به وفات، سر پیامبر اکرم بر سینه حضرت زهرا سلام الله علیها قرار داشت و حضرت زهرا در این حال از رنجی که به پدر می‌رسد، اندوهگین بودند.

نقد روایت:

برای نقد روایت، ابتدا سند روایت اول را بررسی می‌کنیم.

۱. سلیمان بن حرب (م. ۲۲۴ق): از او با تعابیر امام، ثقه و حافظ یاد شده است. وی ۱۹ سال همنشین حماد بن زید بوده است (ذهبی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۳۱).

۲. حماد بن زید (م. ۱۷۷ق): او را حافظ‌ترین و عالم‌ترین افراد به سند احادیث برشمرده‌اند (رازی تمیمی، ۱۹۵۲، ص ۱۳۲).

۳. ثابت البنائی (م. ۱۲۷ق): وی پسر اسلم است، از انس نقل روایت کرده و حماد بن سلمه از او روایت کرده است. از او با صفات ثقه و صدوق یاد شده است (رازی تمیمی، ۱۹۵۲، ص ۴۴۸).

۴. انس بن مالک (م. ۹۳ق): وی خادم رسول خدا بود. از او با تعبیر نصف علم یاد شده است (اصبهانی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۵).

روایت، بر اساس منابع رجالی اهل سنت، سندی قوی دارد. همچنین عاملی که سبب ضعف محتوا شمرده شود، مشاهده نمی‌شود. اما در مورد دلالت روایت باید گفت: روایت فوق صراحتی در این موضوع ندارد که سختی‌هایی که حضرت زهرا سلام الله علیها در مورد رحلت پدر می‌دیدند، سکرات مرگ بوده‌اند یا تأثیرات بیماری‌ای که منجر به رحلت ایشان شد. در مقدمه گذشت، برخی از سختی‌های قبل از مرگ، نتیجه ادامه بیماری‌ها است و ارتباطی با سختی قبض روح ندارند. لذا بر فرض اعتبار سند، نمی‌توان روایت را دال بر سختی قبض روح ایشان دانست.

۴-۳. روایات سایر اصحاب

در روایات سایر صحابه نیز عباراتی چون «اللهم أعنی علی کرب الموت»^۲ (خداوند ایا،

۱. «أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْخَافِضُ، ثنا عَلِيُّ بْنُ حَمَّادٍ الْعَدْلِيُّ، ثنا إِسْمَاعِيلُ بْنُ قُتَيْبَةَ، ثنا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى، أَنَا حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ ثَابِتٍ، عَنْ أَنَسٍ قَالَ: لَمَّا مَرِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَضَهُ الَّذِي فُيْضَ فِيهِ أَسْنَدُهُ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا إِلَى صَدْرِهَا، فَجَعَلَ يَتَغَشَّاهُ الْكَرْبُ، فَقَالَتْ: وَكَرِبَ أَبْنَاهُ، فَقَالَ: " إِنَّهُ لَيْسَ عَلَيَّ أَبْيَكُ كَرْبٍ بَعْدَ الْيَوْمِ » (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۳ ص ۵۷۴).

۲. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو حَدَّثَنِي أَيُّوبُ بْنُ سَيَّارٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ لَمَّا نَزَلَ بِالْبَيْتِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَوْتَ دَعَا

مرا بر دشواری مرگ یاری ده) و «اللهم أعني على سكرات الموت»^۱ (خداوند، مرا بر سكرات مرگ یاری كن)، در وصف زمان قبض روح پیامبر اکرم وارد شده است.

نقد روایات:

بر این دو روایت نیز اشکالات متنی و سندی وارد است. به عنوان نمونه، در سند روایت اول، نام ایوب بن سیار آمده است که بسیاری از رجالین اهل سنت وی را تضعیف کرده اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۸۲). و در روایت دوم، مجدداً سكرات موت به پیامبر اکرم نسبت داده شده است؛ در حالی که همان طور که گذشت، این نسبت صحیح نیست.

۳-۵. تعلیل های اهل سنت در مورد روایات دال بر دشواری قبض روح پیامبر

اکرم

برخی از علما و محققین اهل سنت، در پی تعلیل دشواری قبض روح پیامبر اکرم برآمده اند. زمانی که اصل سند یا دلالت این روایات قابل پذیرش نباشد، این تعلیل ها جایگاهی ندارد. اما جهت تکمیل بحث، اقوال مذکور ذکر می شود.

۱. دشواری قبض روح پیامبر اکرم برای بالا بردن جایگاه و منزلت ایشان بوده است

(زرقانی، ۱۹۹۶، ج ۱۲، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ قسطلانی، ۱۳۲۳، ج ۶، ص ۴۷۲؛ حدیدی، ۱۳۹۱، ص ۳۱).

نقد: هرچند ممکن است برخی از متون دلالت بر این داشته باشند که دشواری های دنیا سبب رفعت جایگاه افراد است، اما قبض روح انبیای الهی مصداقاً از شمول این متون خارج است، چراکه در مورد آسانی قبض روح انبیای الهی دلیل خاص وجود دارد.

۲. سكرات مرگ که برای انبیا شدیدتر از مردم عادی بوده است، برای این بوده

است که آن ها در زمینه صبر و استواری الگوی بقیه باشند (حدیدی، ۱۳۹۱، ص ۳۱).

نقد: صبر را به معنای ممانعت نفس از جزع و فزع و واداشتن نفس بر کار

بقدر من ماء فجعل یمسح به وجهه ویقول اللهم أعني على كرب الموت قال وجعل يقول ادن مني يا جبريل ادن مني يا جبريل ثلاثاً (بصري البغدادي، ۱۹۶۸، ج ۲، ص ۲۵۷).

۱. أخبرنا محمد بن عمر حدثني عمر بن محمد بن عمر عن أبيه قال لما نزل بالنبي صلى الله عليه وسلم الموت كان عنده قدح فيه ماء یمسح يده من ذلك الماء ثم یمسح بها وجهه ویقول اللهم أعني على سكرات الموت (بصري البغدادي، ۱۹۶۸، ج ۲، ص ۲۵۸).

ناخوشایند برای رضای پروردگار معنا کرده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ش ۳، ص ۳۵۸). به راستی سکرات مرگ صبری می‌تواند محل تجلّی کدام نوع صبر باشد که پیامبر در این جهت الگوی سایرین قرار گیرند؟! صبر انواعی دارد: صبر بر مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر ترک معصیت. ظاهراً نویسنده شذائت مرگ را جزو مصائب دانسته است که صبر بر آن ستوده است! لازم به ذکر است که صبر در مورد مصائب دنیوی ممکن و معقول است، چراکه اولاً شدّت و حدّت آن‌ها قابل مقایسه با سکرات مرگ نیست و ثانیاً مصائب دنیوی حکمت‌هایی دارند که چه بسا مصیبت زده با قدری تأمل آن‌ها را دریابد و در ورای این مصیبت امیدوار به رحمت الهی باشد و برای رضای او صبر کند. اما سکرات مرگ در عین حال که بسیار شدیدند، چه بسا با یأس شدید از رحمت خداوند همراه باشند؛ چراکه محتضر خود را مغضوب و مطرود پروردگار می‌یابد و لذا جایگاه، جایگاه صبر نیست.

۴. روایت شیعی

در بین کتب شیعه قدیمی‌ترین کتبی که داستان وفات پیامبر اکرم را روایت کرده‌اند، کتب سلیم بن قیس و تفسیر القرآن العظیم ابو حمزه ثمالی هستند. در هر دوی این کتب، روایتی از سلمان فارسی آمده است. بر اساس این روایت، حضرت زهرا سلام الله علیها در زمان رحلت پدر بزرگوارشان بی‌قراری می‌کردند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ایشان دل‌داری می‌دادند. در این روایت سخنی از زمان قبض روح ایشان نیامده است (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۶۵؛ ابو حمزه ثمالی، ۱۴۲۰، ص ۳۲۲). اما برحسب جست‌وجوی نگارنده، تنها منبع روایی شیعه که داستان زمان قبض روح پیامبر اکرم را گزارش نموده است، امالی شیخ صدوق است که از ابن عباس روایتی آورده است (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ش ۳، ص ۶۳۳-۶۳۸). متن روایت مشابه روایتی است که پیش از این از ابن عباس و جابر بن عبدالله در این موضوع گذشت، اما با سند متفاوتی ذکر شده است. در انتهای این روایت، جریان قبض روح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گزارش شده است.^۱

۱. فَتَزَلَّ مَلَكُ الْمَوْتِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مَلَكُ الْمَوْتِ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَالَ وَ مَا حَاجَتُكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ حَاجَتِي أَنْ لَا تُقْبِضَ رُوحِي حَتَّى تَجِئَنِي جَبْرِئِيلُ فَيُسَلِّمَ عَلَيَّ وَأُسَلِّمَ عَلَيْهِ فَيُخْرِجَ مَلَكُ الْمَوْتِ وَ هُوَ يَقُولُ يَا مُحَمَّدًا

بر اساس این روایت پیامبر اکرم از ملک الموت درخواست کردند که قبض روح ایشان را تا زمان آمدن جبرئیل به تأخیر بیندازد. ملک الموت خارج شد و در آسمان با جبرئیل برخورد کرد و درخواست پیامبر اکرم را مطرح نمود. بعد از گفت و گویی، جبرئیل با ملک الموت فرود آمد و بر پیامبر اکرم وارد شد و توصیه خداوند در مورد سهل گیری در قبض روح ایشان را ابلاغ نمود. سپس ملک الموت درحالی که حضرت جبرئیل و حضرت میکائیل در دو سمت ایشان بودند، مشغول قبض روح پیامبر اکرم شد. در این هنگام پیامبر روبه حضرت جبرئیل کرد و پرسید: «آیا در سختی ها مرا رها می کنی؟» جبرئیل گفت: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ»، «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ».

نقد روایت:

محتوای این خبر، مطالب غیر قابل قبولی دارد. مشابه اشکالی که پیش از این در مورد روایت ابن عباس گفتیم، بر این نقل نیز وارد است. در بخش هایی از این گزارش، گفت و گوی میان جبرئیل و ملک الموت با هم گزارش شده است و در بخش هایی گفت و گوی پیامبر اکرم با حضرت جبرئیل. طبیعتاً ابن عباس نمی توانسته شاهد این گفت و گوها باشد و گزارش وی از عالم ماورا محلی از اعراب ندارد. مضافاً بر اینکه متن روایت تعارض داخلی دارد. از طرفی جبرئیل به ملک الموت توصیه می کند که در گرفتن جان پیامبر اکرم مدارا کند و خودش در کنار ایشان و ملازم ایشان است و از سویی پیامبر اکرم به وی اعتراض می کند که چرا مرا در این سختی ها وامی گذاری؟!

نتیجه گیری

۱. روایاتی در منابع شیعه و اهل سنت دلالت بر سادگی قبض روح حضرت ابراهیم (ع) و حضرت موسی (ع) می کند. در عین حال روایاتی در برخی منابع

فَاسْتَقْبَلَهُ جِبْرِائِيلُ فِي الْهَوَاءِ فَقَالَ يَا مَلَكَ الْمَوْتِ قَبِضْتُ رُوحَ مُحَمَّدٍ (ص) قَالَ لَا يَا جِبْرِائِيلُ سَأَلَنِي أَنْ لَا أَقْبِضَهُ حَتَّى يَلْقَاكَ فَتُسَلِّمَ عَلَيْهِ وَ يُسَلِّمَ عَلَيْكَ فَقَالَ جِبْرِائِيلُ يَا مَلَكَ الْمَوْتِ أَمَا تَرَى أَبْوَابَ السَّمَاءِ مُفْتَحَةً لِرُوحِ مُحَمَّدٍ أَمَا تَرَى خُورَ الْعَيْنِ قَدْ نَزَّيْنِ لِمُحَمَّدٍ ثُمَّ نَزَلَ جِبْرِائِيلُ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ فَقَالَ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا جِبْرِائِيلُ اذْنُ مَنِي خَبِيْبِي جِبْرِائِيلُ قَدْ نَا مِنْهُ فَتَزَلْ مَلَكُ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُ جِبْرِائِيلُ يَا مَلَكَ الْمَوْتِ اخْطِطْ وَصِيَّةَ اللَّهِ فِي رُوحِ مُحَمَّدٍ (ص) وَ كَانَ جِبْرِائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَ مَلَكُ الْمَوْتِ أَخَذَ بِرُوحِهِ (ص) فَلَمَّا كَثِيفَ الثُّوبُ عَنْ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ نَظَرَ إِلَى جِبْرِائِيلَ فَقَالَ لَهُ عِنْدَ السَّادَةِ تَخَذَلَنِي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۶۳۸).

تاریخی غیر معتبر، دلالت بر دشواری قبض روح این انبیای الهی دارد. روایات دال بر سادگی قبض روح ایشان با ادله عام عصمت انبیا سازگارند.

۲. روایاتی که برای اثبات دشواری قبض روح پیامبر اکرم مورد استناد قرار گرفته‌اند، برخی صراحتی بر این موضوع ندارند، همچون روایت انس بن مالک از گفت و گوی پیامبر با حضرت زهرا در مورد دشواری مرگ که می‌تواند بر سختی بیماری منجر به رحلت ایشان حمل گردد. برخی اسناد ضعیف دارند، همچون روایت مشترک جابر بن عبدالله و عبدالله بن عباس و روایت جعفر بن محمد که در اسناد آن‌ها رجال ضعیف حضور دارند. برخی نیز محتواهای غیر قابل قبولی دارند، همچون همان روایت مشترک جابر بن عبدالله و عبدالله بن عباس، روایات متعدد عایشه و روایت محمد بن عمر.

۳. بالا بردن جایگاه پیامبر اکرم و زمینه‌سازی برای الگوگیری سایرین از صبر ایشان، دلایلی هستند که برای دشواری قبض روح پیامبر اکرم ذکر شده‌اند. اما با توجه به اینکه اصل این روایات قابل پذیرش نیستند، تعلیل این دشواری جایگاهی ندارد.

۴. روایت ابن عباس در مورد دشواری قبض روح پیامبر اکرم با سندی متفاوت و مضمونی مشابه در امالی شیخ صدوق نیز وارد شده است که نقد محتوایی مشابهی دارد. روایت دیگری دال بر دشواری قبض روح پیامبر اکرم در منابع شیعی یافت نشد.

۵. امکان جمع روایت انس بن مالک با ادله مرتبط با سادگی قبض روح انبیا وجود دارد، چراکه این روایت قابل حمل بر دشواری‌های قبل از وفات ایشان است، اما امکان جمع بقیه روایات وجود ندارد.

سپاسگزاری

از خداوند متعال جهت توفیق انجام این پژوهش سپاسگزارم. این مقاله تعارض منافع و حامی مالی ندارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶ش). الامالی. تهران: کتابچی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ش). علل الشرایع. قم: کتاب فروشی داوری.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة. تهران: اسلامیه.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی. (۱۳۹۰ق). لسان المیزان. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۷. ابن عساکر، علی بن الحسن. (۱۴۱۵ق). تاریخ دمشق. قم: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
۸. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک. (بی تا). السيرة النبوية. بیروت: دار المعرفة.
۹. ابوحمزه ثمالی، ثابت بن دینار. (۱۴۲۰ق). تفسیر القرآن الکریم. بیروت: دار المفید.
۱۰. ابوری، محمود. (۱۴۲۰ق). اضواء علی السنة المحمدية. قم: مؤسسه انصاریان.
۱۱. اصبهانی، ابوبکر احمد بن علی بن منجویه. (۱۴۰۷). رجال صحیح مسلم. بیروت: دار المعرفة.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق). الجامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله صلى الله عليه وسلم. بیروت: دار طوق النجاة.
۱۳. بصری البغدادی، محمد بن سعد. (۱۹۶۸). الطبقات الكبرى. بیروت: دار صادر.
۱۴. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین. (۱۴۲۴). السنن الكبرى. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۵. تمیمی الدارمی، محمد ابن حبان. (۱۴۱۴). صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۱۶. تمیمی المغربي، نعمان بن محمد، (بی تا). شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار. مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۷. ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۸. حدیدی، مصطفی. (۱۳۹۱ق). هل شکا الرسول صلى الله عليه وسلم من سكرات الموت. منبر الاسلام، (۶)، ۳۱-۳۴.
۱۹. خوارزمی، موفق بن احمد. (۱۴۱۱ق). المناقب. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۰. دمشقی، اسماعیل بن کثیر. (۱۹۸۸). البدایة والنهاية. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. ذهبی، محمد بن احمد. (بی تا). سیر أعلام النبلاء. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۲. رازی تمیمی، محمد بن ادريس (ابن ابی حاتم). (۱۹۵۲). الجرح و التعديل بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیه.
۲۴. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله. (۱۴۰۷ق). الدعوات. قم: سلوة الحزین.
۲۵. زرقانی، محمد بن عبد الباقي. (۱۹۹۶). شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة للقسطلانی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۶. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی.
۲۷. شعود، علی بن نایف. (۲۰۰۹). الاستعداد للموت. مالیزیا: دار المعمور.
۲۸. شریف مرتضی، علی بن الحسین. (۱۳۸۰ش). تنزیه الانبیاء. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
۲۹. شیبانی، احمد بن محمد بن حنبل. (۱۴۱۱ق). أصول السنة. جده: دار المنار.
۳۰. طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸). التفسیر الکبیر. اردن: دار الکتب الثقافی.
۳۱. طبرانی، سلیمان بن احمد. (۱۴۱۵ق). المعجم الکبیر. قاهره: دار النشر.
۳۲. طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۳۳. قسطلانی، شهاب الدین احمد بن محمد. (۱۳۲۳ق). ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری. مصر: المطبعة الکبری الأمیریة.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). تفسیر القمی. قم: دار الکتب.
۳۵. متقی هندی، علی بن حسام الدین. (۱۴۰۱ق). کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال. قم: مؤسسة الرسالة.
۳۶. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. محاسبی، حارث بن اسد. (۱۴۲۰ق). الرعاية لحقوق الله. منصوره: دار الیقین.
۳۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). یادداشت های استاد مطهری. تهران: صدرا.
۳۹. هروی قاری، علی بن محمد (سلطان). (۱۳۱۸ق). جمع الوسائل فی شرح الشمائل. مصر: المطبعة الشرفیة.
۴۰. هلالی، سلیم بن قیس. (۱۴۰۵ق). کتاب سلیم بن قیس الهلالی. قم: الهادی.